

رساله آداب المشق میرعماد الحسنی



آداب المشق رساله‌ای است به نثر مسجع که مطابق با سنت قدیم با ستایش خداوند و حمد و ثنای رسول اکرم آغاز شده و براساس همان سنت قدیم مقدمه‌ای سرشار از اصطلاحات

و عبارات خط و خوشنویسی دارد. میرعماد در رساله‌ی حاضر عشق خود را به خط و انگیزه‌ی خود را از نگارش رساله چنین آورده است:

این حقیر روزی به حسب اتفاق به مطالعه خط نستعلیق مشغول بود و به جست‌وجوی انوار جمال شاهد حقیقی راه تماشای خط می‌پیمود که چندبیتی از کتابت شریف قبلة‌الکتاب مولانا سلطان علی المشهدی علیه الرحمه در نظر آمده و در نظر از هرچه گویی خوب‌تر.

وی سپس می‌افزاید:

القصه کمال میل تحصیل خط از نهاد این خاکسار سر زد و اسباب تحصیل هر فن دیگر به هم برزد. مدتی در خدمت بعضی عزیزان که در این فن به جایی رسیده بودند یا از لب مبارک ارباب این صنعت حکایتی شنیده بودند «بنده وار» سر کرد و آنچه توانست به دست آورد:

تمتع ز هر گوشه‌ای یافتم

ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم

اکنون می‌خواهد آنچه به یمن صحبت عزیزان فراهم آورده و به کثرت کتابت و مشق تجربه کرده سمت التیام و صورت انتظام یابد، شاید که مبتدی را شاد کند و آن مبتدی این خاکسار را به دعای خیر کناد. بنابراین در آن باب اتفاق شش فصل افتاد و آن را آداب المشق نام نهاد.

میرعماد در فصل نخست رساله به پیوند میان هنر و اخلاق اشاره می‌کند و اینکه کاتب باید از صفات ذمیمه احتراز کند، چرا که صفات ذمیمه در نفس، نشانگر بی‌عدالتی است. پس کاتب باید کسب صفات حمیده کند تا آثار انوار این صفات مبارک از چهره شاهد خطش سرزند و مرغوب

طبع ارباب هوش افتد. میرعماد در ادامه به بیان اجزای دوازده‌گانه خط می‌پردازد که نه جزء آن شامل ترکیب، کرسی،

نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی و نزول حقیقی، معانی کاملاً مشخص دارند و به منزله‌ی اجزای یک ترکیب هستند. این ترکیب در خط جزء دهم است که اصول نام دارد و بدون آن خط به نفاست نخواهد رسید.

میرعماد درباره اصول می‌آورد:

اما اصول کیفیتی است که از اعتدال ترکیب اجزاء تسعه که مذکور شد حاصل می‌شود و در هر خط این صفت اندکی باشد آن خط نفیس می‌باشد و اگر از جواهر عزیزتر دارند می‌سزد و چون کمال این صفت در خطی جلوه‌گر شود اگر از جان درست‌تر دارند به جای خود است و مخفی نماند اجزای تسعه در خط به منزله جسم است و اصول به منزله جان و ذوق این باده ندانی به خدا تا پخشی.

خط به دو لطیفه دیگر نیازمند است تا جمال مقید به جمال مطلق پیوندد و جزء آینه کل نشود و آن دعای سحر که:

اللهم انی اساءلک من جمالك کله مستجاب گردد و آن دو لطیفه شأن و صفاست. شأن نوعی ظهور و شکوه ملکوت در هنر است و صفا درخشش و پاکی است که مقدمه برای ظهور شأن می‌شود.

میرعماد به این نکته اشاره می‌کند که فروغ شأن و صفا را هر دیده‌ای نتواند دید، چندان که سر ملکوت و پیغام سروش را هر گوش نشنود.

رساله آداب المشق مشتمل بر اصول کلی خوشنویسی است. منظومه‌ی سراط السطور اثر مولانا سلطان علی المشهدی ملقب به سلطان الخطاطین را می‌توان پیشرو رساله آداب المشق دانست.